

انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با زندگی شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۶ تهران بزرگ)

دکتر امیر مسعود امیر مظاهری*

چکیده

زندگی شهری تفاوت‌های بنیادین با زندگی در اجتماعات روستایی و عشایری دارد، تجلی این تفاوت‌ها را در بسیاری از کنش‌های انسانی همچون تعاون، ستیز، رقابت، رفتارهای انحرافی، سازگاری و انطباق اجتماعی می‌توان مشاهده کرد. هر نظام اجتماعی، الگوهای ارزشی، هنجاری، کششی و ارتباطی خاص خود را تولید می‌کند و انطباق اجتماعی بین کنشگران از این طریق انجام می‌شود و همین مسئله انطباق اجتماعی مهاجران و تازه‌واردان به زندگی شهری را به مراتب دشوارتر و پیچیده‌تر کرده و گونه‌های مختلف انطباق اجتماعی (همنوایی، همسازی، فرهنگ‌پذیری ذهنی و عینی) را در زندگی شهری پدید می‌آورد. در این پژوهش با استفاده از روش‌های پیمایش، اسنادی و میدانی درصدد بررسی وضعیت انطباق اجتماعی مهاجران با زندگی شهری برآمده ایم. پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده منظم، تحلیل اسنادی و فیش‌برداری از جمله ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات در این بررسی بوده است. یافته‌های نهایی پژوهش نشان داد هر چقدر مهاجران وابستگی، دلبستگی و پیوندهای اجتماعی عمیق‌تری با مبدأ داشته باشند، همنوایی، هم‌رنگی، همسازی، فرهنگ‌پذیری ذهنی و عینی کمتری با تجلیات و مقتضیات زندگی شهری را در زندگی روزمره به نمایش خواهند گذاشت.

واژه‌های کلیدی: انطباق اجتماعی - سازگاری - مهاجرت - همنوایی - زندگی شهری.

مقدمه

انطباق اجتماعی به عنوان یکی از بخش‌های اساسی کارکرد هر نظام اجتماعی است زیرا انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری در تهران از نظر عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی، تأثیر عمیق بر نظم اجتماعی و توسعه اجتماعی - اقتصادی دارد. اگر انطباق اجتماعی، باغماض، به معنای پذیرش یا عدم پذیرش باور داشت‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و مقتضیات یا شرایط جدیدی که برای یک عضو از جامعه پیش می‌آید، تعریف شود، در این صورت انواع انطباق شکل خواهد گرفت. در واقع انطباق بعنوان یک پیوستار تمایلی^۱ می‌تواند از صفر تا صد درجه، تغییر داشته باشد و طبیعتاً نه یک انطباق، بلکه گونه‌های مختلف انطباق (همچون هم‌نوایی و هم‌رنگی، همسازي و مشارکت، فرهنگ پذیری) پدید خواهد آمد که هر یک بخش مختصری از مضمون فوق را در بر می‌گیرد. برای مثال تبعیت از نوع پوشش و آرایش ظاهری شهر نشینان تنها یک انطباق سطحی و صوری است. در حالی که پذیرش ارزش‌ها و عقاید مذهبی شهروندان یک انطباق عمیق تر و ماندگارتر است. اما مفهوم انطباق بدون عامل کنشگر، مفهومی بی معنا است؛ چرا که انطباق در یک ظرف مکانی و زمانی در یک محدوده جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی معنا پیدا می‌کند. چنانچه ظرف مکانی ما، شهر یا یک منطقه فقیر نشین یا حاشیه شهر و کنشگر نیز یک شهروند مستقر در این مناطق باشند، در این صورت می‌توان چندین نوع شهروند را از یکدیگر متمایز کرد. شهروند انطباق یافته، شهروند انطباق نیافته، شهروند انطباق دهنده یا انطباق گر، شهروند انطباق پذیر یا منفعل که هر یک در قالب تعریفی خاص و از طریق معرف‌های خاصی قابل بازشناسی از یکدیگرند. از دیدگاهی دیگر، انطباق یک مفهوم دو ساحتی است. در یک سوی انطباق، خرده فرهنگ‌ها، افکار، ارزش‌ها، ایدئولوژی و شیوه‌های سنتی و ثبات یافته قرار گرفته و در طرف این مفهوم، خرده فرهنگ‌ها، افکار، عقاید، ارزش‌ها و شیوه‌های مدرن و هنوز پذیرفته نشده، قرار گرفته است. چه بسا بسیاری عناصر خرده فرهنگ‌ها که در روند نقل و انتقالات، موجودیت و اصالت خود را از دست می‌دهند و در درون ساخت جدید ذوب یا استحاله می‌شوند؛ استحاله‌های فکری، ارزشی، عقیدتی و مانند آن، که گونه‌ای از انطباق در عمق بیشتر هستند، در صورتی به وجود می‌آید که دو طرف انطباق (در این جا الزاماً فرد نیست و چه بسا گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگ مانند احزاب سیاسی به عنوان یک گروه اجتماعی بزرگ و یا دو سازمان با بافت رسمی) مد نظر قرار گیرند.

جامعه ایران به دلیل قرار گرفتن در شرایط گذار و تغییرات بیرونی، تعادل نظام اجتماعی اش بر هم خورده است و بالطبع نمی‌توان انتظار انطباق اجتماعی کامل (هم‌نوایی) در کلیه سطوح و لایه‌های اجتماعی داشت و به نوعی مشاهده می‌شود که در بالاترین سطوح لایه‌ها و طبقات اجتماعی گونه‌ای تساهل و تسامح (مدارا) در شبکه روابط اجتماعی وجود دارد و بر اساس درون دادی^۲ که در اختیار کنشگران و اجزای نظام اجتماعی قرار می‌گیرد، اجزای نظام اجتماعی توقع و انتظار برون داد^۳ دارند. شاهد مثال این مسئله، "وجود بسیاری از مشاغلی همچون کوپن فروشی، دوره گردی، بساط پهن کنی و معاملات غیر رسمی است که از گذشته در جامعه ایران رواج داشته، اما

1. continuum tendency

2. in put

3. out put

قانون گذار نتوانسته راه های کنترل و بسامان کردن آنها را پیدا کند. به همین دلیل ضابطین قانون ضمن آن که با این مشاغل به عنوان فعالیت غیر قانونی برخورد کرده اند به دلیل کثرت و کارکرد آنها در جامعه ناگزیر بوده اند نسبت به آنها تغافل داشته باشند و با دیده اغماض به این فعالیت ها بنگرند" (نامه انجمن جامعه شناسی، شماره ۳: ۹۱).

در این بررسی تأکید بر میزان انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری در کلان شهر تهران است. هرچند که نمی توان منکر شد از منظر جامعه شناختی انطباق اجتماعی با سایر مفاهیم همچون آنومی، سازگاری اجتماعی، نظام اجتماعی، وفاق و انسجام اجتماعی، یکپارچگی و همنوایی اجتماعی ارتباط ارگانیک و پیوسته دارد. از دیدگاه امیل دورکیم (۱۳۴۳) اساسی ترین علت آسیب های اجتماعی^۱ و شرایط آنومیک^۲ در جوامع مدرن مربوط است به نابسامانی تقسیم کار در این جوامع، به زعم وی شرایط آنومیک و شرایط آسیب دیده دو مفهوم کاملاً مترادفند (Ritzer, 1988:76). هرگاه تقسیم کار نتواند پیوندهای میان افراد را تقویت کند، عدم کنترل اخلاقی یا نابهنجاری یا آنومی حادث می شود، یعنی شرایطی حاصل می گردد که در آن تعهدات متقابل نادیده گرفته می شوند و در پی آن کشمکش روی می دهد که از هیچ قانون و قاعده ای پیروی نمی کند.

به نظر دورکیم، از بین بردن آنومی به وسیله قواعد اخلاقی برای جوامع نابسامان ضروری است. با وجود این، قواعد به تنهایی نمی تواند تمام موارد نابهنجاری را که همبستگی اجتماعی را به مخاطره می اندازد، از میان بردارد. عبارتی «وجود صرف قوانین کافی نیست زیرا گاه خود قوانین علتی برای ضرر و زیان اند» (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰۷) این نکته بیشتر به بحث دورکیم درباره امکان عدم تطابق قوانین و قواعد رسمی و اخلاقیات صحیح مربوط است. "گاه ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که مناسب زمانه نیست و فقط به این دلیل حفظ شده است که به نفع افراد خاصی است که قادرند آن قوانین را به وسیله زور و فریب یا با توسل به سنت پا بر جا نگاه دارند". (همان) در تقسیم کار بهنجاری، خود واقعی فرد که شامل «توانایی های» ویژه و «استعدادهای ذاتی» وی است، فرصت شکوفایی می یابد. در چنین نظامی، افراد به جایگاه مناسب خود در جامعه دست می یابند و بدین طریق به مطالبات خود می رسند و در عین حال توانایی خود را برای رفع نیازهای جامعه به حداکثر می رسانند. ولی در تقسیم کار اجباری، افراد قدرتمند بر حسب منافع شخصی و خودخواهی عمل می کنند و با قواعدی که به اجرا می گذارند، پایگاه برتر خود را حفظ می کنند و دیگران را وادار به اجرای نقش هایی می سازند که با در نظر گرفتن توانایی ها و علایق آنها، مناسب و عادلانه نیست. نکته دیگر اینکه ساختار و کنش در اجتماعات سنتی و نوین در قالب همبستگی مکانیکی و ارگانیکی تجلی می یابد. به تعبیر یان کرایب^۳ "در جامعه هایی که همبستگی مکانیکی مسلط است، ساختار اجتماعی از شبکه گروه های خویشاوندی تشکیل می شود. جامعه پیچیده تر، مدرن تر و متشکل از گروه های فردی هستند که از طریق تقسیم کار شکل می گیرد و دولت بر آنها نظارت می کند". (یان کرایب: ۱۵۵) به عقیده دورکیم، اینکه دولت نمی تواند حافظ اخلاقی قلمرو اقتصادی باشد، مسئله ای جدی است که امید به دست یابی به تقسیم کار بهنجاری را به مخاطره می اندازد، چون می توان بی عدالتی و کشمکش های اجتماعی را تقلیل داد. هنگامی که ساختار اقتصادی از قید و بندهای اخلاقی مبری است، چگونه ممکن است بتوان نابرابری اجباری و تضاد طبقاتی را

^۱. social pathology

^۲. anomic

از میان برد، هنگامی که میدان اصلی وقوع این مبارزه‌ها به نظم در نیامده باشد؟ از همین رو کوزر با استناد به مفهوم «آنومی» دورکیم،^۱ به شرایط اجتماعی که نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی کارآیی‌اش را از دست می‌دهد و افراد جامعه به حال خودشان رها می‌شوند، آنومی می‌گویند.^۲ (کوزر، ۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۱) و یا در آنومی معیارهای روشنی برای راهنمایی رفتار در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود نداشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۴۰) و یا در جامعه هنجارهایی برای راهنمایی افراد وجود ندارد و یا هنجارهای قبلی دچار از هم پاشیدگی می‌شوند (آرون، ۱۳۶۴: ۳۷۵). در چنین شرایطی تعهدات نادیده گرفته می‌شوند و افراد از هیچ قاعده و قانون تبعیت نمی‌کنند.

در شرایط آنومیک، اهداف و ارزش‌های معمولی و مشترک دیگر مورد قبول افراد جامعه قرار نمی‌گیرد. ضمن آن که ارزش‌ها و اهداف جدیدی نیز جایگزین آن نمی‌شود.

مفهوم «توافق اجتماعی» در اندیشه مرتون بسیار برای تبیین نظری مسایل اجتماعی کاربرد دارد. در جامعه با گروه‌های کثیری مواجه می‌شویم که در انتخاب راه‌ها برای رسیدن به اهداف توافق دارند. این گروه از افراد که با قراردادهای فرهنگی موافقت می‌کنند و یا به تطابق می‌رسند، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند. «بنا به اعتقاد مرتون معیار، اکثریت جامعه است. بنابراین، ملاک آن چیزی است که در عمل اتفاق می‌افتد و برای زندگی اغلب مردم فایده بخش است و چون اکثریت مردم توافق کرده‌اند و این توافق در واقع قانون زندگی آنان می‌باشد و در جامعه عمل می‌شود، پس «عقلایی»^۱ و «منطقی»^۲ است. چرا که عمل می‌کند و کارکرد دارد و آن چیزی عقلایی است، که کارکرد داشته باشد» (تنهایی، ۱۳۷۱: ۱۶۸ - ۱۶۷).

به عبارت بهتر، کارکرد مثبت باید «پایداری و ثبات» را برای جامعه تشدید کند. تا اینجا مرتون، پارسونز را همراهی می‌کند، اما در ادامه می‌گوید: گرچه ملاک، اکثریت جامعه است، اما اکثریت همه آحاد مردم را در بر نمی‌گیرد، عده‌ای از مردم هستند که داخل این گروه کثیر نیستند و به نحوی از اکثریت جدا افتاده‌اند. به نظر وی، جامعه‌شناس وظیفه دارد که این گروه‌ها را نیز در تبیین نظری خود مد نظر قرار دهد. مطالعات وی در این زمینه، یکی از بزرگترین الگوهای جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در مکتب کارکردگرایی انسجامی محسوب می‌شود.

از نظر پارسونز، (۱۳۷۶) یگانگی و نهادی شدن از جمله ضرورت‌های کارکردی کنش و انطباق اجتماعی است. نهادی شدن الگوهای هنجاری در زمینه کنش متقابل میان کنشگران دارای منزلتی است که از طریق نظم هنجاری و تبعیت از الگوهای فرهنگی نهادینه می‌شود. انطباق اجتماعی از این منظر فرایندی است که به وسیله آن ساخت اجتماعی ایجاد و تداوم می‌یابد.

«مجموعه نهادی شده کنش‌ها، یک نظام اجتماعی تشکیل می‌دهد. یگانگی هم در داخل و هم در میان دو نظام اجتماعی و الگوهای فرهنگی ضروری است. آن چه از نظر پارسونز در نهایت نظام برداشت می‌شود، این است که «نظام فرهنگی» میانجی کنش متقابل کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند» (کرایب، ۱۳۸۸). از طرف دیگر در نظام شخصیتی، «تمایلات نیازی» (کنش‌هایی که به وسیله زمینه اجتماعی شکل می‌گیرند) کنشگر را وادار می‌کند تا بر اساس سه گونه تمایلات نیازی رفتار کند:

^۱. Ratalnal
^۲. just

- نخستین گونه، کنشگر را وادار می کند تا در روابط اجتماعی به دنبال عشق، تأیید و نظایر آن برود.
 - دومین گونه، ارزش های ملکه ذهن شده ای را در بر می گیرد که کنشگران را به رعایت معیارهای گوناگون فرهنگی وامی دارد.

- سرانجام چشم داشت های نقشی، کنشگران را به داد و ستد پاسخ های مناسب هدایت می نماید.
 بر این اساس، تمایلات نیازی در گونه دوم، کنشگر را وادار به انطباق هرچه بیشتر می نماید و از طرفی یکی از کارکردهایی که یک نظام برای زنده ماندن باید انجام دهد، کارکرد تطبیق است. هر نظامی باید با موقعیتی که در آن قرار گرفته، تطبیق پیدا کند (کرایب: ۱۳۱).

در واقع در کارکرد انطباق می توان چنین تعبیر کرد، جوامعی که در حالت تعادل هستند انطباق اجتماعی در آنها سهل تر است. ولی جوامعی که در حال گذار هستند و هنوز به تعادل نرسیده اند، انطباق اجتماعی در آنها به مراتب دشوارتر و پیچیده تر است.

انطباق از دیدگاه پارسونز (۱۳۷۶) یک مقوله پویا است؛ از این رو، با مفهوم تکامل^۱ مترادف است؛ از دیدگاه وی هر نظام اجتماعی در هر مرحله از تکامل اجتماعی خود با پاره ای از مسائل جدید روبرو می شود که لازم است خود را با آنها تطبیق دهد و مشخصاً مربوط به چگونگی حفظ انسجام از طریق سازگاری سیستم اجتماعی با نظام فرهنگی یا بالعکس و یا ایجاد دگرگونی در هر دوی آنها است (Hamilton, 1983:91). به زعم پارسونز تطبیق یک واحد زنده و پویا به معنای تکامل نظام اجتماعی؛ یعنی تطابق دادن جامعه با رشد حیات نظام طبیعت است چون نظام طبیعت در حال رشد و تغییر است، نظام اجتماعی هم باید در حال رشد و تغییر باشد؛ بنابراین، حرکت جوهری که در ذات طبیعت وجود دارد حرکتی است که در ذات اجتماع هم وجود دارد و این حرکت، دائماً به طرف پیشرفت و کمال است. پس چه حالت مرضی مربوط به اجزاء و عناصر مختلف نظام باشد و چه مربوط به خود نظام، مسئله ناشی از عدم تناسب ورودی و خروجی این نظام است که بخشی از آن مرضی و بخشی از آن هم به روال گفته شده در بالا طبیعی است. همین نوسان - مرضی یا طبیعی - خرده نظام فرهنگی را فعال می کند تا به درخواست و نیاز به تطابق پاسخ گوید و جریان رشد حیات را منظم نماید.

مفهوم انطباق اجتماعی در نظریه های روان شناسی اجتماعی همچون کنش متقابل نمادی مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع این دیدگاه ها، «اولاً واقعیت» به گونه ای آماده در جریان واقعی وجود ندارد، بلکه به واسطه عملکرد ما در جهان به گونه ای فعالانه ساخته و پرداخته می شوند» دوم آن که آدم ها نظرشان درباره جهان را بر پایه چیزی استوار می کنند و بر همین پایه نیز دانش شان را به یاد می آورند، هرگاه که این دانش کارآیی اش را از دست دهد. احتمالاً دستخوش دگرگونی می شود، سوم آن که مردم «شناخته های اجتماعی و فیزیکی را که در جهان با آن برخورد می کنند» بر حسب فایده ای که برای آن قائلند، تعریف می کنند» (توسلی، ۱۳۶۹: ۳۰۰).

با این همه، انطباق از دیدگاه های مختلفی که اکثراً به طرز تلقی کنشگران از واقعیت مربوط است را می توان از هم تفکیک کرد. براساس برداشت دکتر توسلی (۱۳۶۹) از نظریه مید مهمترین محورهای مؤثر در انطباق اجتماعی کنشگران به شرح ذیل است:

¹. evolution

۱. از آن جا که (کنش)^۱ اجتماعی از طریق یک روند تعریف و تفسیر صورت می‌گیرد، زندگی گروهی نیز باید بر حسب همین تغییرات مطالعه شود. به عبارت دیگر کنش‌های جمعی صرفاً یک سلسله پاسخ که توسط محرک‌ها ایجاد شده نیست، بلکه به میانجی‌گری تفسیری که اعضای شرکت‌کننده از وضعیت دارند، شکل یافته است.

۲. جامعه انسانی بر اساس عمل جاری هستی می‌یابد، نه بر اساس ساخت یا روابط تثبیت شده و شکل یافته.

۳. حقیقت کنش متقابل "من" یا "خود" که فرد را وادار به تعیین و ارزیابی موقعیت خود می‌کند من را به صورت یک کارگزار مؤثر در شکل‌گیری عمل اجتماعی در می‌آورد، مشارکت در عمل اجتماعی فقط به اعمال نیروهای خارجی فرد خلاصه نمی‌شود بلکه خود فرد باید فعالیتش را در درون یک چارچوب مشخص و محدود، تنظیم کند.

۴. انسان در عین فعالیت می‌تواند تحت تأثیر "خود" واقع شود.

مکتب شیکاگو از جمله دیدگاه‌های غالب در جامعه‌شناسی شهری است. صاحب‌نظران این مکتب بر این باور هستند که گسترش شهرنشینی، موقعیت‌های مکانی-فضایی کنش را برای کنشگران فراهم می‌کند. بر این اساس هر مکان، فضای ارتباطی، کنش خودرामी طلبد. چنانچه کنشگران بدون توجه به مقتضیات محیطی و نظام ارزشی-هنجاری حاکم بر این فضاها، کنش را انجام دهند، کنش‌های مذکور منطبق با مقتضیات و ملاحظات زندگی شهری نیست و از جمله مصادیق رفتارهای ضدشهری محسوب می‌شود.

در نظریه اکولوژی شهری، شهر را به منزله آزمایشگاهی برای تحقیق و تفحص در خصوص رفتارهای انسانی در نظر می‌گیرد که می‌تواند از نظریه فوق در زمینه انطباق اجتماعی با زندگی شهری بهره‌جست و به بررسی اثرگذاری شهر بر کنشگران و ارتباط متقابل بین این دو پرداخت. در این زمینه افروغ (۱۳۷۷) عبارتی از پارک نقل می‌کند: «ساخت شهر با پیچیدگی و گستردگی شهود خود اولین چیزی است که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما چنین ساختی خود بر طبیعت آدمی استوار است و ساخت شهری نمودی از این طبیعت به حساب می‌آید، از سوی دیگر سازمان وسیعی که شهر نام گرفته و در پی پاسخ به نیازهای ساکنین پا به عرصه وجود نهاد، خود پس از شکل‌گیری به نام عنصری خارجی بر ساکنین تحمیل می‌شود و بر اساس طرح و علایق خود به ساکنین شکل می‌دهد»

با توجه به مجموعه مطالبی که از انطباق اجتماعی^۲ در ادبیات جامعه‌شناسی نقل شد، انطباق در سطح کلان به عنوان یکی از گزینه‌های کنش اجتماعی و در سطح خرد به عنوان یک واحد کنش فردی مورد تأکید بسیاری از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی همچون پارسونز قرار گرفته است.

با توجه به این که انطباق اجتماعی روستاییان، عشایر و گروه‌های قومی با زندگی شهری، ارتباط تنگاتنگی با فرایند توسعه ناموزون کشور، طولانی شدن گذار از دوران سنتی به نوین و آنومی حاصل از آن و بالاخره نظام اقتصاد جهانی دارد. در این بررسی سه وضعیت از کنش‌های انطباق‌گرایانه شامل:

- شیوه و نوع انطباق اجتماعی؛

- میزان و شدت انطباق اجتماعی؛

- چگونگی انطباق اجتماعی.

1. action

2. social adaptation

با حالت های فردی خانوادگی و دیگر شرایط مقایسه می گردد که بیشترین میزان انطباق اجتماعی قاعدتاً در حالت انطباق منفی و کمترین شدت آن در حالت انطباق مثبت باید باشد.

جدول سنخ شناسی انطباق اجتماعی

سنخ شناسی انطباق اجتماعی	انطباق اجتماعی مثبت	انطباق اجتماعی منفی
انطباق اجتماعی فعال	همنوایی قانونگرایی نـوآوری (اختراع) سازگاری اجتماعی ایمان و زهد عام گرایی همکاری وفاق رقابت سالم آشتی رفتار شهری مهاجرت مشارکت ومسئولیت پذیری	خاص گرایی قوم وگروه گرایی ناشهروندی مناسک پرستی آنومی فردگرایی پرخاشگری سازگاری عرفی قانون گریزی شورش اعتراض بهره گیری ازروابط سستی در جوامع مدرن ریا و فریب تظاهر و تعارف رفتار ضد شهری رقابت ناسالم غارت و زورگیری بزه، انحراف و جرم بیان رمزگونه استعاره، کنایه وندالیسم-اوباش گری تخریب شخصیت دیگران(برچسب زنی) مشاهده بقایای کنش های روستایی در زندگی شهری
انطباق اجتماعی منفعل	همرنگی (متابعت) مدارا تساهل و تسامح اغماض عزت طلبی تقیه همزیستی همانندگردی تعصب کوچ حاشیه نشینی آرمان گرایی (تخیل)	انزوا وعده دهی خیانت تقدیر گرایی تبانگی چاپلوسی (مدح و ثنا) زیر پا کشی بی تعلقی و مسئولیت گریزی بی هویتی توسل به فال و استخاره، سحر و جادو افسردگی درون پریش فرصت طلبی صورت گرایی در زندگی یاس و ناامیدی خرافات دروغ فاصله ظاهر و باطن پنهان کاری واختفاء به نیت کنشگر عدم تحمل دیگری (انتقاد) فرار از منزل/مغز ها / سرمایه ها سکوت فاصله گفتار و عمل

با توجه به وسعت معنایی مسئله، از انگاره هاو مفاهیم جامعه شناسی کلاسیک و نوین بیشترین بهره برداری صورت گرفته و علاوه بر این تئوری های متعارف سایر حوزه ها درباره آسیب های اجتماعی، مهاجرت، حاشیه نشینی و روان شناسی اجتماعی، به عنوان نظریات مکمل استفاده گردیده است. هر یک از دیدگاه ها به گونه ای خاص به موضوع نگاه می کنند. متفکران ساخت گرا، شرایط بقاء و استمرار سیستم ها و نظام های اجتماعی و شخصیت کنشگران را در مفهوم انطباق اجتماعی مستتر می دانند. از سوی دیگر، نظریه پردازان مکتب تضاد، دیدگاه متفاوتی را در این زمینه مورد تأیید قرار می دهند و بر این باور هستند که انطباق اجتماعی و توجیه آن در خدمت صاحبان نظام قدرت و محصول روابط نابرابر در سطوح مختلف است و در واقع راهکاری است که اصحاب قدرت با طرح ناگزیری انطباق اجتماعی، مؤید ساختارهای اجتماعی موجود و ضرورت انطباق اجتماعی هستند. عبارتی هر یک از دیدگاه های ساختی - کارکردی، تضاد و روان شناسی اجتماعی از منظری ویژه به مسئله انطباق اجتماعی پرداخته اند.

روش

در این پژوهش با توجه به متغیرها و مفاهیم مورد بررسی از روش پیمایش، روش اسنادی، روش میدانی بصورت همزمان برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. مهمترین تکنیک‌ها و ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه، مصاحبه منظم، تحلیل اسنادی شکوائیه و درگیری‌های موجود در نیروی انتظامی منطقه، فیش برداری و تکمیل لیست مشاهدات منظم در محل بوده است.

این پژوهش با عنایت به اهدافش یک تحقیق توصیفی و اکتشافی است. هر موضوع و سازه تحقیق مستلزم بهره‌گیری از روش تحقیق خاصی می‌باشد. موضوعات تحقیق با توجه به گستره و سطح مطالعاتی، از ادبیات نظری و تجربی و هم‌چنین از انواع داده‌ها و اطلاعات میدانی یا اسنادی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی تحقیق و فرضیات، بهره‌گیری می‌کند. از طرف دیگر هر یک از روش‌های تحقیق از تکنیک‌ها و ابزارهای خاصی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کنند و برای هر موضوعی باید به روش تحقیق خاصی رجوع نمود. این مطالعه از نوع پیمایشی ساده توصیفی می‌باشد، که در آن تحلیل‌های استنباطی هم استفاده شده است.

متغیرهای مستقل پژوهش در سطح خرد شامل متغیرهای فردی همچون سن، جنس، تأهل، سواد، اشتغال، قومیت، مدت و محل اقامت، زبان و دین است و در سطح کلان متغیرهای اجتماعی همچون همبستگی و انسجام اجتماعی، تعلق خاطر اجتماعی، قانون‌گرایی و قانون‌گریزی، اعتماد و بی‌اعتمادی به تدابیر نهادی، تلقی از الگوی زیست و معیشت ایده‌آل، میزان رضایت اجتماعی و احساس محرومیت نسبی، سطح نیازها و توقعات برآورده شده و بالاخره میزان پایبندی به نظام ارزشی سنتی و میزان تناقض ارزشهای نوین باشیوه‌های متعارف اجتماعی می‌باشند.

در این پژوهش به منظور بالا بردن دقت اندازه‌گیری و صحت نتایج، سؤالات مربوط به شدت انطباق اجتماعی منفی یا ناهنجار و شدت انطباق اجتماعی مثبت یا بیهنجار در سطوح چهارگانه مورد بررسی (همنوایی، هم‌رنگی، همسازی و مشارکت، فرهنگ‌پذیری ذهنی و عینی) از طریق طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت با رعایت قابل فهم بودن، کوتاه بودن، ساده بودن و مطابق هنجارها بودن سنجیده شد. علاوه بر این بعنوان روش مکمل از روش مصاحبه حضوری بابره‌گیری از پرسشگران خبره جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. همچنین برای اصلاح سؤالات پرسشنامه پس از پیش‌آزمون^۱ و محاسبه آلفای کرونباخ (۰/۸۴)، جمع‌آوری اطلاعات انجام گرفت.

مقیاس‌سازی برای شاخص‌های چهارگانه مورد بررسی شامل هم‌رنگی و همنوایی با فرهنگ و آداب و رسوم تهرانی‌ها (ENN1) و همسازی و مشارکت با فرهنگ و آداب و رسوم تهرانی‌ها (ENN2) در قالب ۱۱ سنجه (نحوه معاشرت کردن، نحوه لباس پوشیدن، نحوه تفریح، نحوه حرف زدن، سبک تغذیه، نحوه جشن و عروسی، نحوه عزاداری، الگوی دخل و خرج، وسایل زندگی، سبک کار، نحوه ابراز محبت به نزدیکان) در ۲ سؤال پرسشنامه پرسیده شد.

در نهایت فرهنگ‌پذیری ذهنی (ENN3) در قالب ۷ گویه مورد سنجش قرار گرفت:

- آدم اگر از گرسنگی بمیره یک نفر لگد مفت هم به او نمی‌زنه.
- پلیس کوچکترین بهانه‌ای دستش بیفته آدمو دستگیر می‌کنه و گیر میده.
- کسی که کارش به دادگاه بیفته حسابش با کرام‌الکاتبین است.

^۱. Pretest

- هرکس باید کلاهشو بگیره تا باد نبره.
- این روزا همه چی شده پول، انسانیت رو خدا بیامرزه.
- امروز هرکی بیشتر کلاه برداره و دروغ بگه کارش جلوتره.
- پول تو دلالی و مایه کاریه نه تو کار و تولید.

بالاخره فرهنگ پذیری عینی (ENN4) در قالب ۱۴ مقوله در سؤالات پرسشنامه سنجیده شد.

- همراه نداشتن پول نقد و طلای زیاد در این محلات.
- تردد سریع و بدون توقف در کوچه و خیابان ها برای حفظ امنیت شخصی.
- سکوت در برابر مزاحمت های دیگران.
- آمادگی برای دفاع شخصی و درگیری.
- پوشیدن لباسی که باعث جلب توجه دیگران نشود.
- ترجیحاً در ساعات روز و شلوغ در محل تردد کند.
- حتی به پلیس و مأموران دولتی اعتماد نکند.
- با هیچکس در محل جرو بحث نکند.
- در خارج از منزل به هیچکس اعتماد نکند.
- نه کمک کند و نه کمک بگیرد.
- از هیچکس به پلیس شکایت نکند.
- در برابر خلاف های آشکار اهالی ساکت و بی تفاوت باشد.
- کمتر با همسایگان دمخور شود.
- در برابر زورگویان و افراد شرور محل صبور باشد.

با توجه به مهاجر پذیری و تنوع گروههای قومی مستقر در اطراف بزرگترین پایانه تهران (خزانه) منطقه ۱۶ به عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب شد. برخی از ویژگی های این منطقه نسبت به کل مناطق تهران بر اساس آخرین آمار موجود در زمان بررسی (۱۳۸۴) به شرح زیر است:

- مساحت (کیلومتر مربع) ۱۶/۷ درصد ۲/۳۰
- جمعیت (تعداد) ۲۹۸۴۱۰ درصد ۴/۴۲
- خانوار (تعداد) ۷۱۲۶۹ درصد ۴/۲۹

برای جمع آوری اطلاعات از جامعه مورد بررسی، در درجه نخست از رؤسای خانوار و درغیاب آنان از همسرانشان سؤالات پرسیده شد. برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای سه درجه ای (با لحاظ پخشایش جغرافیایی واحدهای مسکونی) بوده است.

یافته‌ها

از آنجا که پاسخگویان معمولاً افرادی بی سواد و کم سواد بودند، نوع تدوین سؤالات و سبک مضامین آنها بسیار ساده و در چندین نوبت مورد واری و بررسی مقدماتی قرار گرفته است.

جدول ۱. توزیع جمعیت نمونه برحسب مهم‌ترین علت مهاجرت به تهران

علت مهاجرت	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا، بیکاری	۱۰۴	۴۰/۳	۴۰/۸
حرف و نقل‌ها، درگیری‌های قومی و محلی، سنت‌های سختگیر و مانند آن	۱۳	۵/۰	۴۵/۸
ضعف و فقدان امکانات و تسهیلات زندگی در روستا (بهداشتی، خدماتی و...)	۴۶	۱۹/۰	۶۴/۸
تحصیلات، ازدواج و سربازی	۳۵	۱۳/۶	۷۸/۴
سایر	۴۸	۱۸/۶	۹۷
بی‌جواب	۹	۳	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰	

چنان‌که ملاحظه می‌شود داده‌های جدول شماره ۱ بیانگر آن است که بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۰۴ نفر با ۴۰/۳ درصد به افرادی تعلق داشته که مهم‌ترین علت مهاجرت‌شان نداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا و یا بیکاری بوده و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۱۳ نفر یا ۵/۰ درصد به افرادی تعلق داشته که مهم‌ترین علت مهاجرت‌شان حرف و نقل‌ها، درگیری‌های قومی و محلی، سنت‌های سخت‌گیر و مانند آن بوده است.

جدول ۲. توزیع جمعیت نمونه برحسب مهم‌ترین علت اقامت در محل سکونت

علت اقامت در محل	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال	۸۳	۳۲/۲	۳۲/۲
وجود اقوام و آشنایان در محل	۶۲	۲۴/۰	۵۶/۲
سایر موارد	۳۲	۱۲/۴	۶۸/۶
بی‌جواب	۳	۱/۲	۷۰/۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰	

با توجه به داده‌های جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود که بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۸۳ نفر یا ۳۲/۲ درصد به گزینه اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال اختصاص یافته و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۳۲ نفر یا ۱۲/۴ درصد به سایر موارد تعلق داشته است.

جدول ۳. توزیع جمعیت نمونه برحسب مهمترین مشکل یا علت نارضایتی از سکونت

علت نارضایتی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کوچکی فضای خانه و کمبود اتاق	۵۹	۲۲/۹	۲۲/۹
شلوغی محل، بازی و سر و صدای بچه	۳۶	۱۴/۰	۳۶/۹
نظافت و بهداشت پایین	۱۸	۷/۰	۴۳/۹
دعوا و درگیری در محل و بداخلاقی همسایه ها	۱۸	۷/۰	۵۰/۹
مشکلی ندارم	۸۹	۳۴/۵	۹۳/۳
سایر	۱۴	۵/۴	۹۹/۳
بی جواب	۲	۰/۸	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰	

طبق آمار داده های جدول شماره ۳ بیان می دارد، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۸۹ نفر یا ۳۴/۵ درصد شامل کسانی بوده است که در پاسخ به مهم ترین مشکل یا علت نارضایتی از محل سکونت شان گزینه مشکلی ندارم را انتخاب کرده- اند و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۱۴ نفر یا ۵/۴ درصد شامل کسانی بوده است که با سایر موارد اشاره کرده اند.

جدول ۴. توزیع جمعیت نمونه بر حسب تردد افراد با صفات گوناگون در محل

تردد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
درویش و گوشه گیر	۲۱	۴/۸۹	۴/۸۹
قمارباز	۲۸	۶/۵۲	۱۱/۴۱
شراب خوار	۲۴	۵/۵۹	۱۷
معتاد	۱۱۸	۲۷/۵۰	۴۴/۵
سارق	۴۹	۱۱/۴۲	۵۵/۹۲
بیمار روانی	۱۸	۴/۱۹	۶۰/۱۱
متکدی	۵۲	۱۲/۱۲	۷۲/۲۳
فساد اخلاقی	۴۵	۱۰/۴۸	۸۲/۷۱
زندانی شده	۳۴	۷/۹۲	۹۰/۶۳
سایر موارد	۴۰	۹/۳۲	۱۰۰
جمع	۴۲۹	۱۰۰/۰	

در پاسخ به این سؤال بیشترین میزان فراوانی مربوط به گزینه معتاد با فراوانی ۱۱۸ و یا ۲۷/۵۰ درصد و کمترین میزان فراوانی مربوط به گزینه بیمار روانی با فراوانی ۱۸ و یا ۴/۱۹ درصد می باشد. یادآور می شود دلیل افزایش تعداد ۴۲۹۳۰ مورد بدلیل انتخاب بیش از یک مورد پاسخگویان بوده است.

جدول ۵. توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستائیان و عشایر مهاجر

در شهر تهران درایه اول - همنوایی (ENN1)

میزان همنوایی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۹۰	۳۴/۹	۳۴/۹
متوسط	۱۲۶	۴۸/۸	۸۵/۷
زیاد	۴۲	۱۶/۳	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰/۰	

بر اساس داده‌های جدول شماره ۵، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۲۶ نفر یا ۴۸/۸ درصد شامل کسانی بوده است که در لایه اول - میزان همنوایی با گرایش متوسط و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۴۲ نفر یا ۱۶/۳ درصد اختصاص به کسانی داشته که دارای همنوایی با گرایش زیاد بوده‌اند.

جدول ۶. توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستائیان و عشایر مهاجر

در شهر تهران در لایه دوم - همسازی و مشارکت (ENN2)

میزان همسازی و مشارکت (ENN2)	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۹۰	۳۴/۹	۳۴/۹
متوسط	۱۱۹	۴۶/۱	۸۱/۰
زیاد	۴۹	۱۹	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰	

با توجه به داده‌های جدول شماره ۶ بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۱۹ نفر یا ۴۶/۱ درصد شامل کسانی بوده است که در لایه دوم - همسازی و مشارکت با گرایش تا حدودی و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۴۹ نفر یا ۱۹ درصد اختصاص به کسانی داشته که در لایه دوم - همسازی و مشارکت با گرایش زیاد بوده‌اند.

جدول ۷. توزیع جمعیت بر حسب میزان انطباق اجتماعی روستائیان و عشایر مهاجر

در شهر تهران در لایه سوم - فرهنگ پذیری ذهنی (ENN3)

فرهنگ پذیری ذهنی (ENN3)	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
کم	۵۰	۱۹/۴	۱۹/۴
متوسط	۷۳	۲۸/۳	۴۷/۷
زیاد	۱۳۵	۵۲/۳	۱۰۰
جمع	۲۵۸	۱۰۰	

طبق داده های جدول شماره ۷، بیشترین میزان فراوانی با تعداد ۱۳۵ نفر یا ۵۲/۳ درصد شامل کسانی بوده است که میان فرهنگ پذیری ذهنی با گرایش زیاد و کمترین میزان فراوانی با تعداد ۵۰ نفر یا ۱۹/۴ درصد شامل کسانی بوده که فرهنگ پذیری با گرایش کم بوده اند.

جدول ۸. توزیع جمعیت نمونه بر حسب مواردی که در تهران هست ولی در ولایت مهاجر نبوده

مواردی که در تهران هست ولی در ولایت مهاجر وجود ندارد	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
آزادی	۵۳	۸/۵۸	۸/۵۸
ناشناسی	۴۶	۷/۴۵	۱۶/۰۲
پول و ثروت	۶۷	۱۰/۸۵	۲۶/۸۸
محبت و عاطفه	۹	۱/۴۵	۲۸/۳۳
اعتقادات دینی	۷	۱/۱۳	۲۹/۴۶
مردانگی و لوطی گری	۴	۰/۶۴	۳۰/۱۰
زندگی مجهز	۵۲	۸/۴۲	۳۸/۵۲
رفاه و آسایش	۵۴	۸/۷۵	۴۷/۲۷
تجمل	۵۲	۸/۴۲	۵۵/۶۹
خوراک و تغذیه	۲۴	۳/۸۸	۵۹/۵۷
امنیت	۱۵	۲/۴۳	۶۲
کار و شغل	۱۵	۲/۴۳	۶۲
خودخواهی	۵۴	۸/۷۵	۷۹/۸۲
ریا و دوز و کلک	۷۴	۱۱/۹۹	۹۱/۷۲
صداقت و دوستی	۶	۰/۹۷	۹۲/۶۹
گرسنگی	۲۲	۳/۵۶	۹۹/۸۱
وقت شناسی	۲۲	۳/۵۶	۹۹/۸۱
بی جواب	۲۰	۰/۱۹	۱۰۰
جمع	۶۱۷	۱۰۰	

مطابق آن چه داده های جدول شماره ۸ نشان می دهد، بیشترین میزان فراوانی مربوط به گزینه دوز و کلک می باشد با فراوانی ۷۴ یا ۱۱/۹۹ درصد و کمترین میزان مربوط به گزینه مردانگی و لوطی گری با فراوانی ۴ و یا ۰/۶۴ درصد می باشد. خاطر نشان می شود دلیل افزایش تعداد به ۶۱۷ مورد به دلیل انتخاب بیش از یک مورد پاسخگویان بوده است.

بحث

مطابق داده‌های جدول توصیفی مشاهده می‌شود که بیشترین میزان جمعیت نمونه به کسانی اختصاص داشته است که جنسیت آنها مرد بوده و در طبقه سنی کمتر از ۳۵ سال قرار داشته و دارای شغل آزاد بوده‌اند و درآمدی کمتر از ۱۵۰ هزار تومان داشته‌اند، میزان تحصیلات متوسطه و دیپلم بیشترین میزان فراوانی را دارد، با ذکر این مطلب که اکثراً متأهل و دارای یک یا دو فرزند، مالکیت منزل خود را هم ندارند و مبدأ مهاجرت شان شهری غیر مرکز استان می‌باشد و البته مدت اقامتشان در تهران و محل مسکونی فعلی شان کمتر از ۱۵ سال می‌باشد. همچنین پاسخ‌گویان مهم‌ترین علت مهاجرت رانداشتن زمین، آب کشاورزی و دام در روستا و بیکاری عنوان کرده‌اند، مساحت زیربنای واحد مسکونی شان کمتر از ۷ متر مربع، علت اقامت در محل سکونت فعلی شان اشتغال در محل یا نزدیکی فاصله به محل اشتغال می‌باشد.

در پاسخ به مهم‌ترین مشکل یا نارضایتی از محل زندگی فعلی شان، گزینه مشکلی نداریم را عنوان نموده‌اند. بیشترین مورد تردد افراد با خصوصیات گوناگون در محله شان را افراد معتاد ذکر کرده‌اند.

در خصوص میزان انطباق اجتماعی مهاجرین عشایر و روستایی با الگوهای رفتاری و اعتقادی تهرانی‌ها، گرایش پاسخ‌گویان به یازده محور از طریق طیف پنج درجه‌ای لیکرت سنجیده شد، به طور کلی یافته‌ها حاکی از آن است که بیشترین میزان انطباق در نحوه تفریح کردن، نحوه حرف زدن، خوارک و پوشاک، عزاداری کردن، وسایل زندگی و نحوه کار کردن شان و کمترین گرایش نیز نحوه معاشرت با اقوام و محبت به والدین و بستگان نزدیک بوده است. در مجموع حاصل کل گرایش‌ها در همه سؤالات که به عنوان همه لایه اول انطباق، یعنی هم‌نوایی (ENN1) آورده شده، در گرایش متوسط بوده است.

مطابق هم‌نوایی فوق‌الذکر اکثر پاسخ‌گویان مایلند که رفتاری مانند: نحوه تفریح کردن، نحوه حرف زدن، خوارک و پوشاک، عزاداری کردن، وسایل زندگی و کار کردن تهرانی‌ها را انجام دهند، اما وقتی از آنها سؤال شد که در صورت رفتن به ولایتان کدام یک از این رفتار تهرانی‌ها را می‌توانید انجام دهید تقریباً همه گزینه‌ها در حد کم و بسیار کم پاسخ داده و عبارتی مشخص شد که مهاجران هم‌سازی (ENN2) و پذیرش لازم را برای تکرار سبک زندگی شهری در مناطق روستایی را نداشته‌اند و دو سبک مختلف زندگی اجتماعی (شهری - روستایی) را هم‌زمان تجربه می‌نمایند.

به علاوه میزان انطباق اجتماعی مهاجرین عشایر و روستایی با الگوهای رفتاری و اعتقادی تهرانی‌ها در عمیق‌ترین سطح، یعنی فرهنگ‌پذیری در دو قسمت مورد توجه قرار گرفته است. یکی انطباق عمیق ذهنی و دیگری انطباق عمیق عینی.

به طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان انطباق در لایه سوم، یعنی فرهنگ‌پذیری ذهنی (ENN3) در گرایش زیاد بوده است که از طریق هفت سؤال گرایشی با طیف لیکرت سنجیده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ ذهنی، ترس از پلیس و دادگاه و در مراتب بعدی بی‌اعتمادی به دیگران و در پایان پول‌پرستی و دروغ‌گویی بیشترین گرایش را در بین افراد ایجاد کرده است. نتایج پژوهش نشان داد که فرهنگ‌پذیری در این لایه به صورت کاملاً ناقص در سطح پایینی انجام می‌شود. داده‌های مربوط به فرهنگ‌پذیری عینی و رفتاری نیز

این موضوع را به اثبات رساند. به طور کلی بیشترین میزان انطباق در مجموع کل گرایش‌هاست این سؤال یا همان لایه سوم انطباق، یعنی فرهنگ پذیری ذهنی (ENN3) در گرایش متوسط بوده است.

یافته های دو گرایش فرهنگ پذیری عینی و ذهنی در مجموع نشانگر آن است که مهاجرین روستایی و عشایری در شهر تهران ابتدا به صورت ذهنی و سپس به صورت عینی و رفتاری دچار تغییر می شوند. مهم ترین دستاوردهای نظری و تجربی پژوهش، عبارتند از:

۱. مفهوم انطباق اجتماعی در نظام های نوین «مرکز گرا» بوده و همیشه براساس رویکرد و انتظارات این نظام ها، کنش ها و رفتار شهروندان مهاجر مورد قضاوت و ارزیابی قرار می گیرد و حتی آنان را مسبب بسیاری از مسائل و آسیب های اجتماعی تصور می نماید، در صورتی که مسائل گروه های فوق بیشتر معلول شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است تا میل و اراده کنشگران.

۲. هر نظام اجتماعی، الگوهای کنشی و ارتباطی خاص خودشان را تولید می کند و در صورتی کنشگران یکبار در معرض تغییرات درونی - بیرونی قرار گیرند و چرخه اجتماعی لازم را برای ورود (فرهنگ پذیری، جامعه پذیری) به زندگی شهری سپری نکرده باشند، انطباق اجتماعی نابهنجار شکل می گیرد.

۳. انطباق اجتماعی روستاییان و عشایر با زندگی شهری بیشتر در سطح همنوایی، هم‌رنگی و فرهنگ پذیری ذهنی است تا سطوح بالاتر انطباق اجتماعی (همسازی، مشارکت و فرهنگ پذیری عینی) و همین مسئله خاص گرای گروه مهاجران، کارآمدی شیوه های عرفی ما قبل زندگی شهری، عادت‌ها شدن بی نظمی و عیان نشدن آنومی در جامعه و از این قبیل را دامن می زند.

۴. تمایل به انطباق اجتماعی، در طبقات، گروه های اجتماعی، خرده فرهنگ ها، شهر ها و روستاهایی که در موقعیت حاشیه قرار گرفته اند، کمتر است.

۵. نیاز مطالعه انطباق اجتماعی در مقایسه با سایر مفاهیم متعارف جامعه شناختی (سازگاری، وفاق، همنوایی، نوآوری، آسیب های اجتماعی، همبستگی اجتماعی، آنومی و... که شامل مسایل روزمره و فوری جامعه می شود) کلان تر و اساسی تر است؛ زیرا ریشه بسیاری از مفاهیم فوق در ارتباط با مفهوم انطباق اجتماعی معنا می یابد.

۶. در جوامعی که به دلیل شرایط تاریخی نظام پدر سالار (متمركز) بر آن سیطره دارد، انطباق اجتماعی تابع نظام قدرت و زور است و هر زمان نظارت اجتماعی به هر شکل تضعیف شود، گونه های مختلف انطباق اجتماعی نابهنجار در جامعه نمود پیدا می کند.

۷. میزان انطباق اجتماعی با زندگی شهری در ۳ سطح همنوایی، همسازی و فرهنگ پذیری در ارتباط تنگاتنگ و پیوسته با عامل فردی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیطی است که بهره گیری از نظریات مختلف و اتخاذ رویکرد سیستمی می توان به درک درستی از واقعیت اجتماعی انطباق مهاجران با زندگی شهری دست یافت.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۶۴). مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، باقر پرهام، ترجمه، جلد اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). نظریه جامعه‌شناسی، تهران: سروش «انتشارات صدا و سیما».
- آگبرن و نیمکف. (۱۳۵۳). زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه امیرحسین آریان پور، تهران: انتشارات دهخدا.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). فضا و نابرابری اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران. چاپ اول، تهران: انتشارات سفیر.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۳). «مقاله اعتبار تجربی و نظریه دیدگاه نوسازی با تأکید بر جامعه قبیله ای و دهقانی شادگان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷، دانشگاه تهران.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.
- تهایی، ابوالحسن. (۱۳۷۱). درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات مرنديز.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۶۹). نظریه های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- پیران پرویز. (۱۳۶۶). آلونک نشینی در تهران، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سوم، شماره ششم.
- پارسونز، تالکوت. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، «تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی»، تهران: انتشارات نی.
- حسین زاده، فهیمه. (۱۳۷۴). الگوهای فرهنگی حاکم بر نظم وفاقی به عنوان پیش شرط توسعه در جاجرم بجنورد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دورکیم، امیل. (۱۳۴۳). قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مؤسسه مطالعات، تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۰). بررسی هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی، توانبخشی.
- رشه، گی، کنش اجتماعی. (۱۳۶۷). دکتر زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- رشه، گی، تغییرات اجتماعی. (۱۳۶۶). ترجمه دکتر منصور وثوقی، تهران: انتشارات نی.
- ریترز، جورج. (۱۳۷۴). نظریه های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: سروش «انتشارات صدا و سیما».
- روح الامینی، محمود. (۱۳۷۵). نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، تهران: نشر آگه.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۸۳). مبانی جامعه‌شناسی «اصول و مسایل اجتماعی»، تهران: انتشارات مرنديز.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله. (۱۳۷۴). اقتصاد سیاسی ایران «فصل هشتم نگرش جامعه‌شناسی بر مهاجرت روستائیان به

- شهرها در ایران»، تهران: پژوهشکده المیزان.
- سیف اللهی، سیف الله (۱۳۷۳). بررسی جامع مسایل اجتماعی شهر تهران، «کتاب اول مباحث نظری و روش شناسی»، تهران: پژوهشکده المیزان.
- سیف اللهی، سیف الله (۱۳۸۱). جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا.
- شکویی، حسین (۱۳۵۴). حاشیه نشینان شهر تبریز، مرکز مطالعات محیط زیست دانشگاه تبریز.
- شایگان، داریوش (۱۳۵۴). آسیا در برابر غرب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کاتوزیان، مرتضی (۱۳۷۷). جامعه شناسی تاریخی ایران، «حکومت خودکامه»، تهران: انتشارات مرکز.
- گرب، ادوارد ج (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی، «دیدگاه نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، مترجمان محمد سیاهپوش و احمد رضا غروی زاده»، تهران: نشر معاصر.
- گلدنر، الوین (۱۳۶۸). بحران جامعه شناسی، ترجمه فریده ممتاز، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حسنی، منوچهر (۱۳۷۵). بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ورسلی، پیتر (۱۳۷۳). جامعه شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
- یاراحمدی، امیر (۱۳۷۸). به سوی شهرسازی انسان گرا، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

- Bently. G. C. (1981).** Ethnicity and nationality; Atians, Biblographic Guide, seattle, W.A; university of Washing on press.
- David, G,V, (1981).** Psychological adaptation a nddjsfunation Among refugees, International migration Review, 15, 255, 275.
- Kim, y, (1988).** Communication and cross-culturaladaptation, philadelphia; multilingual matters, (P9).
- Montgomery, R, (1996).** The Component of Refugee adaptation, International migration Review, vol; 12, No; 3.
- Sadarosadut, seyd Javad. (1995).** Ppsych-social and cultural Adjustment Among International student, (thesis), Australia, Wollongong university.
- Hamilton, peter, (1983).** key sociogists series editor, talcott parsons, London, Routledge.
- Giddens, Anthony, (1990).** sociology a brief but critical interoduction London, macmillan.
- Rilzer, George, (1988).** sociological theory, new York, Alfred A. Knopf.
- Smelser. Neilj. Parsons. Talcott, (1984).** Economy and society, London, routledge kegan paul.
- Hutnik, nimmi, (1986).** patterns of ethnic minority identification & modes o social adaptation, Ethnic & Racial studies volume 9 number 2. april. delhi University.